

بررسی نقش زنان در فرایند تصمیم‌گیری مهاجرت خانوادگی به استان تهران^۱

حسین محمودیان^۲، سراج‌الدین محمودیانی^{۳*}

چکیده

عمده زنان در جریان مهاجرت‌های خانوادگی به‌عنوان مهاجر تبعی شناخته می‌شوند و نقش آنان در فرایند تصمیم‌گیری مهاجرت مغفول مانده است. مطالعه حاضر به دنبال بررسی نقش زنان در جریان مهاجرت‌های خانوادگی به استان تهران است. جامعه آماری همه زنان مهاجری است که در دوره ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ وارد استان تهران شده‌اند. با استفاده از تکنیک پیمایش و ابزار پرسش‌نامه تعداد ۵۰۰ نفر زن مهاجر دارای همسر در شهرهای تهران و ملارد پیمایش شدند. یافته‌ها از آن حکایت دارد که هر اندازه زنان از محل سکونت خود (شهر/روستا) ناراضی بوده‌اند، در تصمیم‌گیری مهاجرت به استان تهران مشارکت بیشتری کرده‌اند. با افزایش قدرت زنان در خانواده، مشارکت آنان در جریان مهاجرت خانواده بیشتر شده است. زنان بیشترین مشارکت را به ترتیب در مهاجرت‌های زن‌محور، فرزندمحور و شوهرمحور ایفا کرده‌اند. مطالعه حاضر نشان می‌دهد که زنان مهاجرت را راهبردی فردی برای رهایی از محدودیت‌های مبدأ و نیز راهبردی خانوادگی برای بهبود وضعیت معیشت خانواده و تأمین آینده‌ای بهتر برای فرزندان خود می‌بینند. با ادامه روند بهبود وضعیت اجتماعی زنان، انتظار می‌رود نقش و مشارکت آنان در مهاجرت خانوادگی نیز بیشتر شود.

کلیدواژگان

استان تهران، تصمیم‌گیری مهاجرت، شبکه مهاجرت، قدرت در خانواده، موقعیت زنان، مهاجرت خانوادگی، مهاجرت داخلی.

۱. مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری آقای سراج‌الدین محمودیانی است که با حمایت مالی مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور به انجام رسیده است.

hmahmoud@ut.ac.ir

serajmahmoudiani@gmail.com

۲. دانشیار جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران

۳. دانشجوی دکتری جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۳/۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۸/۱۶

مقدمه و طرح مسئله

مهاجرت در حال زنانه شدن است؛ طوری که امروزه حدود نیمی از مهاجران را زنان تشکیل می‌دهند. با این حال، این موضوع که زنان در طول تاریخ در جریان مهاجرت‌ها حضور داشته‌اند واقعیتی است که اغلب مغفول مانده است [۴۲]. در تحلیل‌های متداول، مردان به‌عنوان کنش‌گران، محرکان و دگرگون‌کنندگان زندگی اجتماعی مطرح شده‌اند. در مقابل، زنان و سهم آن‌ها در ساختن جامعه نادیده گرفته شده است [۱۵].

عمده فعالیت زنان محدود به خانه است که حوزه‌ای خصوصی است و در مقایسه با حوزه عمومی کمتر به چشم می‌آید و اخبار در مورد اتفاقات و رویدادها و رفتارهای درون خانواده بسیار کمتر از حوزه عمومی منتشر می‌شود. حوزه خصوصی جایی است که رفت‌وآمد به آن کمتر کنترل می‌شود؛ در نتیجه اطلاعات درباره آن اندک است. چون بیشتر فعالیت زنان به حوزه خصوصی محدود است، اطلاعات ما از رفتارهای آن‌ها کمتر است [۱۱، ص ۴]. با وجود این، راسل در کتابش، با نام قدرت، از قدرت پشت پرده سخن می‌گوید. او می‌نویسد:

در هر سازمان بزرگی که زمامداران قدرت زیادی در اختیار دارند، مردان (با زنان) کوچک‌تری هم هستند که با شیوه‌های شخصی خود در رهبران نفوذ می‌کنند [۵، ص ۷۱].

در برخی موارد، هرچند زنان ظاهراً حضور ندارند و ما زنان را رسماً در جایگاه تصمیم‌گیرنده نمی‌بینیم، در واقع رهبران پشت پرده‌اند [۱۱، ص ۶]. بنابراین، تصویر عمیقاً شکل گرفته در باب زنان به‌عنوان بی‌تحرک و تابع خانه و خانواده، مطلقاً تصویری درست نیست که در بحث مهاجرت نیز از آن استفاده شده است [۴۴، ص ۳۱]. به‌طور سنتی، محققان حوزه مهاجرت تقریباً زنان را به‌عنوان وابسته و دنباله‌رو مفهوم‌سازی کرده‌اند [۵۰]. در دوره سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰، بیش از ۴۴ درصد مهاجران جابه‌جا شده بین استان‌های کشور را زنان تشکیل داده‌اند. در سال ۱۳۸۵، حدود ۷۲/۴ درصد از زنان مهاجر در کل کشور به‌دلیل پیروی از خانوار جابه‌جا شده‌اند که این رقم در سال ۱۳۹۰ برابر ۶۸/۶ درصد بوده است. همچنین، شایان ذکر است که واردشدگان به استان تهران بیشترین نسبت مهاجران تبعی کل کشور در دو سرشماری یادشده را تشکیل می‌دهند [۱۴؛ ۱۵؛ ۲۱؛ ۲۲]. دلایل انتخاب استان تهران به‌منزله میدان مطالعاتی تحقیق حاضر نیز به دو دلیل عمده بوده است. از سویی، استان تهران بالاترین سهم در پذیرش مهاجران تبعی را داشته و از سوی دیگر نخستین مقصد مهاجرتی زنان بوده است.

وضعیت اجتماعی زنان در ایران در سال‌های اخیر بهبود داشته است. گسترش فرصت‌های آموزشی و تحصیلی برای زنان در مقایسه با مردان، هرچند با کمی تأخیر، به‌شکلی درخور توجه

انجام پذیرفته است. در سالیان اخیر، شکاف تحصیلی میان دو جنس تا حد زیادی کم‌رنگ شده که این امر به عنصر مهمی در تعریف مجدد جایگاه و نقش زنان در خانواده و حتی در کل جامعه تبدیل شده است [۷؛ ۱۰]. با توجه به بهبود نسبی پایگاه و موقعیت زنان در سال‌های اخیر و بالابودن آمار مهاجرت تبعی زنان در ایران، که بیشتر به استان تهران وارد شده‌اند، این سوالات پرسیده می‌شود که آیا زنان در جریان مهاجرت خانوادگی صرفاً تابع سرپرست خانوار و همسر خودند یا برعکس، در فرایند تصمیم‌گیری مهاجرت همانند همسر خود مشارکت دارند؟ میزان مشارکت زنان در فرایند تصمیم‌گیری مهاجرت و عوامل تأثیرگذار بر میزان مشارکت آنان در جریان مهاجرت چیست؟

ملاحظات نظری و شواهد تجربی

نظریه‌های اقتصادی

احتمالاً قدیمی‌ترین و شناخته‌شده‌ترین نظریه در حوزه مهاجرت‌های داخلی و بین‌المللی، نظریه اقتصاد نئوکلاسیک یا نظریه تعادل^۱ است. این نظریه را ابتدا رانیز و فای [۴۳] و سپس تودارو [۴۸] مطرح کردند و بسط دادند. رویکرد اقتصاد نئوکلاسیک را می‌توان به دو دسته مدل تقسیم کرد: مدل کلان و مدل خرد. مدل خرد مبتنی بر انتخاب‌های فردی است که در آن کنش‌گر خردگرای فردی برحسب محاسبات هزینه-فایده تصمیم به مهاجرت می‌گیرد [۳۹]. در حالت کلان، مهاجرت به شکل مبادله بین دو منطقه است و به فرد کاری ندارد [۱۸]. ساستاد و تودارو از صاحب‌نظران این حوزه به‌شمار می‌آیند. ساستاد بر سرمایه انسانی^۲ تأکید دارد [۴۵]. طبق نظریه وی، احتمال مهاجرت کسانی که منابع اقتصادی و اجتماعی بهتری دارند بیشتر است و آن‌ها وضعیت خودشان را بهبود خواهند بخشید. تودارو نیز مانند بیشتر صاحب‌نظرانی که به بررسی مهاجرت پرداخته‌اند درصدد تبیین مهاجرت‌های روستا-شهری بوده است. فرضیه آغازین تودارو این است که مهاجرت عمدتاً پدیده‌ای اقتصادی است و با وجود بیکاری، تصمیم به مهاجرت امری منطقی است [۶؛ ۱۰].

تودارو [۴۸؛ ۴۹] و هریس و تودارو [۳۳] با معرفی احتمال پیدا کردن شغل در بخش شهری و در بطن اقتصاد کشورهای جهان سوم، مدل سرمایه انسانی را گسترش دادند. درحقیقت، آن‌ها فرض کرده‌اند که درآمد مورد انتظار به جای درآمد قطعی، نیروی محرک مردم برای مهاجرت است. فرض اصلی الگوی تودارو این است که هر مهاجر بالقوه برمبنای هدف به حداکثر رساندن «درآمد انتظاری» تصمیم می‌گیرد به شهر برود یا خیر؟ وی بیان می‌کند که مهاجرت اساساً بر

1. The Equilibrium Theory
2. Human Capital

پایه محاسبه اقتصادی و عقلایی فرد مهاجر استوار است [۴۰]. نظریه مهاجرتی نئوکلاسیک‌ها بیشتر بر تفاوت دستمزدها و احتمال کارایی معطوف است و به بسیاری از عواملی که در جذب یا دفع مهاجر مؤثرند توجه ندارد. پذیرش همین کاستی، راه را برای طرح نظریه اقتصاد جدید مهاجرت باز کرد [۶]. بینش کلیدی این رویکرد جدید این است که تصمیمات مهاجرتی را کنش‌گران به‌تنهایی و در انزوا نمی‌گیرند، بلکه خانواده یا خانوار در آن دخیل‌اند [۳۹]. این نظریه را استارک و بلوم^۱ در ۱۹۸۵، کاتز^۲ و استارک در ۱۹۸۶ و تایلور^۳ در ۱۹۸۶ مطرح کردند [۲۷]. دیدگاه مذکور، رفتار مهاجرتی کنش‌گران را به سطح خانوار توسعه می‌دهد و فرض می‌کند که درآمد خانوار در ارتباط با درآمد فردی افزایش می‌یابد [۴۶]. یکی از بینش‌هایی که در چارچوب نظریه‌های اقتصاد جدید مهاجرت می‌گنجد، رویکرد استراتژی خانوار^۴ است که نخستین‌بار رادکلیف^۵ در ۱۹۹۱ و سپس چانت^۶ و رادکلیف در ۱۹۹۲ ارائه کردند. آن‌ها بر این باورند که تصمیم به مهاجرت بخشی از استراتژی زندگی خانوار است. فرضیه استراتژی دسترسی^۷ نیز در همین چارچوب است که یوتینگ^۸ آن را مطرح کرد. او بر این باور است که دسترسی در کشورهای در حال توسعه پدیده‌ای جنسیتی است که همه زیرمجموعه‌های دسترسی را دربر می‌گیرد؛ از قبیل دسترسی به منابعی مانند اطلاعات، حقوق، زمین، پول و دارایی، دسترسی به آموزش و تحصیلات، مهارت‌ها، مشارکت اجتماعی و سیاسی و همچنین صدا. یکی از استراتژی‌هایی که زنان برای کسب امتیازات اجتماعی در اختیار دارند، مهاجرت و تحرک مکانی است. در مواقعی که زنان در مبدأ مهاجرتی با محدودیت‌هایی روبه‌رو باشند، یکی از راهکارهایی که برای بهبود موقعیت و وضعیت اجتماعی خود در اختیار دارند، مهاجرت است [۵۰]. بنابراین، انتظار می‌رود که در صورت فراهم‌نشدن زمینه مهاجرت فردی، زنان دارای همسر برای رفع محدودیت‌های مبدأ، خانواده را به مهاجرت ترغیب کنند.

نظریه محرومیت نسبی

براساس نظریه یادشده، زمانی که جامعه قادر به تأمین نسبی احتیاجات و نیازهای افراد نباشد، احتمال بروز رفتارهای جمعی افزایش پیدا می‌کند. یکی از این رفتارهای جمعی مهاجرت است که در وضعیت محرومیت نسبی، احتمال وقوع آن فزونی می‌گیرد [۱۶]. محرومیت نسبی،

1. Stark and Bloom
2. Katz
3. Taylor
4. Household Strategies Approach
5. Radcliffe
6. Chant
7. Access Strategy Hypothesis
8. Uteng

ادراکی از این موضوع است که افرادی فاقد منابع مطلوب‌باند و در مقابل دیگرانی نیز همان منابع را دارند. محرومیت نسبی این حس را القا می‌کند که افراد قابلیت مقایسه‌شدن با یکدیگر را دارند و لذا ثروت خود را با دیگری ارزیابی خواهد کرد. به نظر برگر و لاکمن، چون امروزه افراد به گروه‌های متعددی تعلق دارند، امکان این نوع ارزیابی و مقایسه فراهم شده است [۳۱].

نظریه انتظار ارزش

در نظریه دیگری با عنوان نظریه انتظار ارزش، نقش‌های جنسیتی جایگاه ویژه‌ای در تبیین رفتار مهاجرت دارد. کنش‌گر محل اقامت خود را در میان مجموعه‌ای از مکان‌های جایگزین، که سودمندی را به حداکثر می‌رساند، انتخاب می‌کند [۳۰]. در این رویکرد، در مجموع چهار ویژگی، ارزش‌های مورد انتظار از مهاجرت را تحت تأثیر قرار می‌دهد. نخست: ویژگی‌های فردی و ویژگی‌های خانواده، دوم: هنجارهای اجتماعی و فرهنگی، سوم: عوامل شخصیتی همانند ریسک‌پذیری یا سازگاری و چهارم: ساختار فرصت [۳۲].

مدل‌های جاذبه و دافعه

در این مدل‌ها، نظریه‌پردازان به‌طور کلی به دو دسته عوامل توجه دارند: عواملی که باعث دفع انسان‌ها از محل اسکان خود (منطقه مبدأ) شده است و دسته دوم عواملی که باعث جذب آن‌ها در منطقه مقصد می‌شود. نخستین تبیین نظری در خصوص قانون‌مندی‌های مهاجرت را راونشتاین^۱ با عنوان قوانین مهاجرت مطرح کرد. در مدل وی، به دو دسته عوامل جاذبه و دافعه در کنار متغیر فاصله جغرافیایی تأکید شده است [۲۴].

رویکرد فمینیستی (با تأکید بر جنسیت و مهاجرت)

جنسیت، سقط جنین، کنترل زنان بر بدن و فرزندآوری و کنترل زنان بر ظرفیت‌های جنسی خود از موضوعات مورد توجه فمینیست‌هاست که با جمعیت‌شناسی در ارتباط است [۱۲]. در حالی که زنانه‌شدن مهاجرت در دوران معاصر سرعت چشمگیری داشته است، مفهوم‌سازی این تحولات با همان سرعت پیش نرفته است [۳۶].

بحث جنسیت و مهاجرت از موج دوم فمینیسم مورد توجه فمینیست‌های شاغل در رشته علوم اجتماعی قرار گرفت. مرحله اول به دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ برمی‌گردد و هدف اصلی آن برجسته‌کردن فقدان و بی‌توجهی به زنان در پژوهش‌های مهاجرت بود. مرحله دوم

پژوهش‌های فمینیست‌ها درباره مهاجرت به دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ برمی‌گردد که فمینیست‌ها به جای مقوله زنان بر جنسیت تأکید کردند که از نشانه‌های این مرحله توجه به روابط قدرت درون خانه است [۲۹].

در حوزه مهاجرت زنان، مطالعاتی انجام شده که تلاش می‌شود در ادامه به بخشی از آن‌ها اشاره شود. یافته‌های مطالعه نوبلز و مک‌کلوی [۴۱] از این موضوع حکایت دارد که نقش زنان در تصمیم‌گیری مهاجرت کمتر از اثر واقعی‌شان نشان داده شده است. لیو [۳۸] در تحقیقی درباره تجربه مهاجرت زنان ازدواج‌کرده نشان داده است که زنان متأهل در فرایند مهاجرت، مشارکت‌کنندگانی فعال‌اند. هیلر و مک‌کیگ [۳۵] در یک بررسی نشان داده‌اند که زنان علایقی در مقصد دارند و ارتباط زنان با مقصد قبل از مهاجرت بر میزان مشارکت آنان در جریان مهاجرت تأثیرگذار است. باچانان [۳۰] در یک مطالعه نتیجه گرفت که بدون در نظر گرفتن نقش زنان در مهاجرت نمی‌توان به درک کاملی از فرایند مهاجرت رسید. از بین محدود مطالعاتی که در ایران در باب نقش زنان در فرایند تصمیم‌گیری مهاجرت انجام شده است، می‌توان به مطالعه اسماعیلی [۱] اشاره کرد. وی دریافت که نیمی از زنان بررسی‌شده در تصمیم‌گیری مهاجرت در کنار همسر خود نقشی مشارکتی داشته‌اند. به علاوه، وی نتیجه گرفت که یک‌چهارم زنان در جریان مهاجرت خانوادگی، نقش فعال و یک‌چهارم دیگر نقش تابع و پیرو را در جریان مهاجرت به شهر همدان داشته‌اند. عصار [۲۸] در مطالعه خود دریافت که تحصیلات زنان اثر مثبت و معناداری بر احتمال تصمیم به مهاجرت خانوادگی دارد. عصار همچنین نتیجه گرفت که شاغل‌بودن زنان اثر منفی و معناداری بر احتمال مهاجرت خانوادگی دارد.

محمودیان و همکاران [۱۹] در مطالعه‌ای نتیجه گرفتند که جست‌وجوی کار، دست‌یابی به شغل بهتر، یافتن همسر مناسب و رهایی از مشکلات ناشی از مجرد مهم‌ترین انگیزه زنان برای مهاجرت بوده است. حسن‌پور فرد [۴] در مطالعه خود دریافت که زنان بیشتر از جاذبه‌ها و محدودیت‌های اجتماعی و فرهنگی مبدأ و مقصد تأثیر می‌پذیرند. مطالعه صادقی و ولدوند [۹] نشان داد که حدود یک‌سوم زنان به دلایلی غیر از تبعیت از خانوار مهاجرت کرده‌اند.

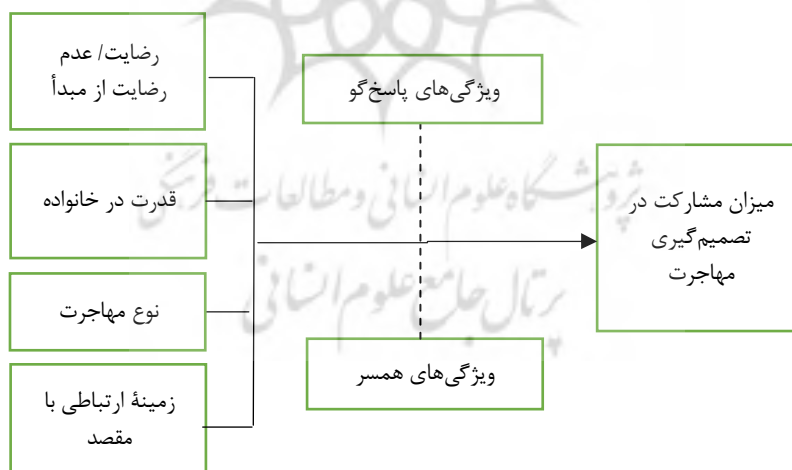
مدل نظری تحقیق

تئوری‌های موجود عمدتاً بر مهاجرت مستقل زنان با اهداف اقتصادی تأکید کرده‌اند. با وجود این، براساس نظریه فمینیستی، مهاجرت پیامدهای مثبتی برای زنان به دنبال دارد، لذا انتظار می‌رود که زنان زمانی که با خانواده مهاجرت می‌کنند در تصمیم‌گیری مهاجرت مشارکت داشته باشند. در مطالعه حاضر تلاش شده است که مغفول‌ماندن نقش زنان در فرایند تصمیم‌گیری مهاجرت خانوادگی پوشش داده شود و به توسعه تئوریک در این حوزه کمک شود. به علاوه، به پشتوانه رویکرد فمینیستی تلاش شده است که در کنار متغیرهای اقتصادی،

به متغیرهای غیراقتصادی نیز توجه شود. آنچه مطالعه پیش‌رو را از سایر مطالعات انجام‌شده متفاوت می‌کند، پرداختی است که پژوهش حاضر به چند موضوع دارد؛ تأکید بر زنان دارای همسر و نه زنان مجرد، توجه به مهاجرت خانوادگی و نه مهاجرت مستقل زنان، تأکید بر متغیرهای غیراقتصادی در کنار سایر متغیرهای متداول اقتصادی و جمعیتی. در پایان، مدل نظری تحقیق در قالب شکل ۱ ارائه شده است.

از آنجا که مهاجرت‌های زنان همراه خانواده به دلایل مختلفی اتفاق می‌افتد، احتمال می‌رود مشارکت زنان در هریک از انواع مهاجرت‌ها متفاوت باشد. به نظر می‌رسد زمانی که خانواده برای امور زن یا مادر خانواده مهاجرت می‌کند در قیاس با زمانی که مهاجرت برای تحقق خواسته‌های شوهر یا فرزندان خانواده باشد، زنان مشارکت بیشتری دارند. انتظار می‌رود زمانی که از محل سکونت خود رضایت کافی نداشته‌اند در جریان تصمیم‌گیری مهاجرت مشارکت بیشتری کنند. شایان ذکر است که برای سنجش رضایت از مبدأ از ۷ گویه استفاده شد که رضایت یا نارضایتی زنان از مبدأ مهاجرت در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را با استفاده از طیف لیکرت سنجید.

با بهره‌گرفتن از مطالعات پیشین، می‌توان ادعا کرد زنانی که در مقصد مهاجرتی خویشاوند یا دوستانی داشته‌اند، در تصمیم‌گیری مهاجرت نیز مشارکت بیشتری انجام داده‌اند. براساس مبانی نظری، انتظار می‌رود زنانی که در خانواده قدرت بیشتری دارند، در انواع تصمیم‌گیری‌ها، از جمله مهاجرت، نیز مشارکت بیشتری داشته باشند.



شکل ۱. مدل نظری مشارکت زنان در تصمیم‌گیری مهاجرت خانوادگی به استان تهران

فرضیه‌های تحقیق

با عنایت به توضیحاتی که در بخش‌های پیشین داده شد، درنهایت فرضیه‌های ذیل مطرح شدند:

۱. بین نوع مهاجرت و میزان مشارکت زنان در تصمیم‌گیری مهاجرت رابطه معنادار وجود دارد؛
۲. بین رضایت/عدم رضایت زنان از مبدأ و میزان مشارکت آنان در تصمیم‌گیری مهاجرت رابطه معنادار وجود دارد؛
۳. بین داشتن زمینه ارتباطی با مقصد و میزان مشارکت زنان در تصمیم‌گیری مهاجرت رابطه معنادار وجود دارد؛
۴. بین میزان قدرت زنان و میزان مشارکت آن‌ها در تصمیم‌گیری مهاجرت رابطه معنادار وجود دارد.

روش تحقیق

در پژوهش حاضر از روش پیمایش استفاده شده است. جمعیت بررسی شده همه زنان مهاجر دارای همسری است که از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ وارد استان تهران شده‌اند. واحد تحلیل در پژوهش پیش‌رو فرد است. برای تعیین حجم نمونه در پژوهش حاضر از چارچوب سرشماری ۱۳۹۰ استفاده شده است. در دوره ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ تعداد ۱۱۱ هزار و ۶۰۶ زن مهاجر دارای همسر از سایر استان‌های کشور وارد استان تهران شده‌اند [۲۲].

با استفاده از فرمول کوکران و براساس فاکتورهای سطح اطمینان، خطای محدود به نمونه و نیز احتمال وجود یک صفت در جامعه آماری، اندازه نمونه‌های مورد نیاز برای جمعیت‌های آماری قابل برآورد است [۸]. در تحقیق پیش رو، برای برآورد حجم نمونه از فرمول مذکور به شکل ذیل استفاده شد. احتمال وجود صفت در جامعه برابر با ۵۰ درصد ($p=0.5$)؛ سطح اطمینان برابر با ۹۵ درصد ($t=1.96$)؛ پایایی یا دقت احتمالی مطلوب نیز ± 5 درصد در نظر گرفته شد ($d=0.05$). اندازه جمعیت هم، که با استفاده از نتایج سرشماری ۱۳۹۰ قبلاً به آن رسیده بودیم، برابر ۱۱۱ هزار و ۶۰۶ نفر بود ($n=111606$) درنهایت، تعداد حجم نمونه با استفاده از فرمول مذکور ۳۸۳ نفر برآورد شد.

اما با عنایت به اینکه مهاجران تنوع بالایی دارند، تعداد ۵۰۰ نفر به‌عنوان حجم نمونه در نظر گرفته شد. دو شهرستان تهران و ملارد، که بیشترین تعداد مهاجر را جذب کرده بودند، به‌منزله قلمرو مکانی مطالعه حاضر انتخاب شدند. ابتدا سعی شد نقاط شهری^۱ در

۱. با توجه به پایین بودن نسبت مهاجران واردشده در نقاط روستایی شهرستان‌های بررسی شده، فقط به انتخاب

شهرستان‌های مورد نظر مشخص شود و سپس از هر شهرستان یک نقطه شهری انتخاب شود که بیشترین تمرکز مهاجران را به خود اختصاص داده است. برای مشخص کردن نقاط شهری با بیشترین تمرکز مهاجر نیز از نتایج سرشماری ۱۳۹۰ استفاده شد. براساس نتایج سرشماری ۱۳۹۰، از مجموع ۱۱۱ هزار و ۶۰۶ نفر زن مهاجر دارای همسر واردشده به استان تهران، شهرستان‌های تهران و ملارد به ترتیب با جذب ۵۶۶ هزار و ۶۶ نفر و ۱۰۴ هزار و ۴۲ نفر بالاترین سهم مهاجرپذیری را در میان شهرستان‌های استان مذکور داشته‌اند. به همین دلیل، دو شهرستان یادشده به‌عنوان شهرستان‌های مورد بررسی انتخاب شدند. همچنین، براساس نتایج سرشماری ۱۳۹۰ از مجموع ۵۶۶ هزار و ۶۶ زن مهاجر واردشده به شهرستان تهران، تعداد ۵۴۳ هزار و ۳۵ نفر آن‌ها وارد شهر تهران شده‌اند. به‌علاوه، از مجموع ۱۰۴ هزار و ۴۲ زن مهاجر دارای همسر واردشده به شهرستان ملارد، تعداد ۸ هزار و ۷۱۳ نفر در شهر ملارد ساکن شده‌اند. با توجه به مطالب مذکور، شهرهای تهران و ملارد به‌عنوان قلمرو مکانی مطالعه انتخاب شد [۲۲]. به‌علاوه، براساس نتایج سرشماری سال ۱۳۹۰، از تعداد ۵۴۳ هزار و ۳۵ زن مهاجر واردشده به شهر تهران، تعداد ۵ هزار و ۶۰۳ نفر در منطقه ۴ و تعداد ۵ هزار و ۴۹۸ نفر از آن‌ها در منطقه ۵ شهر تهران ساکن شده‌اند. به همین دلیل، مناطق ذکرشده به‌عنوان مناطق مورد بررسی در شهر تهران انتخاب شدند [۳]. براساس آمار سرشماری ۱۳۹۰، دو منطقه مذکور بالاترین تعداد زن مهاجر را در خود جای داده‌اند.

ناحیه ۳ از منطقه ۵ بیشترین تعداد زن مهاجر را در خود جای داده [۲۲] و به همین دلیل ۸ محله این ناحیه به‌عنوان خوشه بعدی برای گردآوری داده‌ها انتخاب شد. سرانجام، از میان محلات هشت‌گانه، محله المهدی به‌طور تصادفی انتخاب شد. براساس سرشماری ۱۳۹۰، محله المهدی متشکل از ۳۴ حوزه آماری و تعداد ۱۲۳ بلوک آماری بوده که تعداد ۱۰۷ بلوک آن دارای اطلاعات زنان مهاجر ساکن در آن بلوک‌ها بود. در گام بعدی، محدوده بلوک‌های آماری محله المهدی مشخص شد. درنهایت، با انتخاب تصادفی چندین بلوک و مراجعه به خانوارهای ساکن در آن بلوک‌ها، داده‌های مورد نیاز گردآوری شد.

منطقه ۴ از ۹ ناحیه و ۲۰ محله تشکیل شده است. ناحیه ۶ از منطقه ۴ علاوه بر اینکه پُرجمعیت‌ترین ناحیه در منطقه مورد نظر بود، بیشترین تعداد زنان مهاجر را نیز در خود جای داده بود [۲۲]. بنابراین، محلات سه‌گانه تهران پارس شرقی، خاک سفید (گلشن) و محله جوادیه در ناحیه ۶ به‌عنوان خوشه بعدی و سپس به شکل تصادفی از میان سه محله یادشده، محله تهران پارس شرقی به‌عنوان خوشه بعدی انتخاب شد. محله تهران پارس شرقی از تعداد ۸۳ حوزه و ۲۰۵ بلوک آماری تشکیل شده است که اطلاعات زنان مهاجر برای ۱۴۸ بلوک آماری

موجود بود. در گام بعدی و با کمک نقشه‌های بلوک‌های آماری، محدوده بلوک‌ها در محله ذکر شده مشخص شد. سرانجام، با انتخاب تصادفی چندین بلوک و مراجعه به نشانی آن‌ها داده‌های مورد نیاز گردآوری شد. برای این منظور، نقشه طبقه‌بندی شده بلوک‌ها وارد محیط نرم‌افزار Pro Erath Google شد و از این طریق نشانی محدوده بلوک‌ها در دو منطقه بررسی شده مشخص و با انتخاب تصادفی چندین بلوک و مراجعه به خانوارهای ساکن در بلوک‌های منتخب، داده‌های مورد نیاز جمع‌آوری شد. با توجه به نسبت جمعیت زنان مهاجر وارد شده به دو شهر تهران و ملارد، از مجموع ۵۰۰ نفر نمونه بررسی شده، تعداد ۱۵۰ نفر از شهر ملارد و ۳۵۰ نفر از شهر تهران پیمایش شدند. از آنجا که مناطق ۴ و ۵ شهر تهران تعداد نسبتاً برابری زن مهاجر به خود اختصاص داده بودند، تعداد نمونه از هر منطقه به‌طور مساوی انتخاب شد. همچنین، اطلاعات سرشماری برای شهر ملارد در سطح حوزه و بلوک آماری در دسترس است، در نتیجه نمونه‌گیری در این شهر براساس حوزه و بلوک آماری محقق شد. شهر ملارد در سال ۱۳۹۰ از ۱۲۳ حوزه آماری و تعداد ۵۷۰ بلوک آماری تشکیل شده بود. حوزه‌های سرشماری شهر ملارد به سه گروه تقسیم شدند. حوزه‌هایی که کمتر از ۵۰۰ زن مهاجر^۱ در خود جای داده بودند به‌عنوان گروه اول، حوزه‌های با تعداد ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ زن مهاجر و در نهایت حوزه‌هایی که بیشتر از ۱۰۰۰ زن مهاجر در آنجا سکونت داشتند به‌عنوان گروه دوم و سوم طبقه‌بندی شدند. در گام بعدی، متناسب با سهم جمعیتی حوزه‌های سه‌گانه از کل جمعیت زنان مهاجر، تعداد نمونه در هر حوزه آماری مشخص شد. در مرحله بعدی، از حوزه‌های سه‌گانه یاد شده بلوک‌هایی به‌طور تصادفی انتخاب شد و مشابه نمونه‌گیری در شهر تهران، سرانجام با انتخاب تصادفی چندین بلوک و مراجعه به نشانی آن بلوک‌ها، داده‌های مورد نیاز جمع‌آوری شد.

به منظور گردآوری داده‌ها از پرسش‌نامه محقق‌ساخته استاندارد استفاده شد. سنجش مفهوم قدرت در خانواده با استفاده از ۱۰ گویه، که عمدتاً متشکل از ۸ حوزه تصمیم‌گیری مورد نظر بلاد و ولف بود، انجام گرفت. عملیاتی‌کردن سایر مفاهیم با استفاده از گویه‌های محقق‌ساخته انجام گرفت. اعتبار ابزار اندازه‌گیری از طریق روش اعتبار محتوایی و آزمون پایایی ابزار اندازه‌گیری از طریق روش آلفای کرونباخ بررسی و تأیید شد. برای این منظور، از طریق اجرای پیش‌آزمون و تکمیل تعداد ۳۰ پرسش‌نامه به بررسی پایایی پرداخته شد که نتایج نشان داد سه مفهوم اصلی تحقیق حاضر، یعنی قدرت در خانواده، رضایت از مبدأ مهاجرت و مشارکت در تصمیم‌گیری مهاجرت، از پایایی بالای ۰/۸ برخوردارند.

۱. با توجه به در دسترس نبودن آمار زنان مهاجر برحسب وضعیت تأهل به تفکیک حوزه و بلوک آماری، زنان مهاجر اشاره شده در این بخش به زنان مهاجر با هر وضعیت تأهل اشاره دارد.

متغیرهای تحقیق

برای عملیاتی کردن متغیر میزان مشارکت زنان در تصمیم‌گیری مهاجرت از تعداد ۴ گویه استفاده شده است. نوع مهاجرت خانوادگی یکی از متغیرهای مستقلی است که در مطالعه حاضر به سه نوع مهاجرت زن‌محور، شوهرمحور و فرزندمحور تقسیم شده است. از مهاجرت‌هایی که برای تحصیل یا اشتغال فرزندان انجام شده باشد، با عنوان مهاجرت خانوادگی فرزندمحور؛ از مهاجرت‌هایی که برای ادامه تحصیل یا اشتغال مادر خانواده اتفاق افتاده باشد، با عنوان مهاجرت خانوادگی زن‌محور و درنهایت از مهاجرت‌هایی که برای کار، انتقال شغلی یا کار بهتر مرد خانواده تحقق یافته باشد، با عنوان مهاجرت خانوادگی شوهرمحور یاد شده است. باید اشاره شود که همه انواع مهاجرت‌های یادشده در چارچوب خانواده انجام شده‌اند؛ یعنی هریک از آن‌ها در یک نگاه کلی مهاجرتی خانواده‌محور است. شایان ذکر است که گونه‌شناسی یادشده از مهاجرت خانوادگی در نتیجه پاسخ‌هایی که زنان مهاجر به پرسش درباره علت مهاجرت داده بودند، به دست آمده است. از آنجا که سایر انواع مهاجرت خانوادگی (برای نمونه مهاجرت بابت والدین زن یا شوهر) در نمونه بررسی شده وجود نداشت، در گروه‌بندی ارائه‌شده از انواع مهاجرت خانوادگی نیز نیامده است.

وجود زمینه ارتباطی با مقصد قبل از مهاجرت یکی دیگر از متغیرهای مستقل پژوهش حاضر است که از طریق یک سؤال سنجیده شد. متغیر رضایت/نارضایتی زنان از مبدأ مهاجرت متغیر مستقل دیگری است که برای عملیاتی کردن آن از تعداد ۷ گویه استفاده شد. قدرت زنان در خانواده متغیر مستقلی است که عمدتاً با پشتوانه نظریه فمینیستی وارد تحقیق و از طریق تعداد ۱۰ گویه سنجش شده است. برای عملیاتی کردن متغیر قدرت زن در خانواده از حوزه‌های تصمیم‌گیری مورد نظر بلاد و ولف، یعنی خرید اتومبیل، خرید وسایل خانگی، نوع خانه مسکونی، اشتغال زن در خارج از خانه، نوع شغل شوهر، میزان پول هفتگی برای خرید مواد غذایی، انتخاب پزشک معالج، چگونگی و محل گذراندن اوقات فراغت، نوع لباس پوشیدن و آرایش کردن و تصمیمات مربوط به ارتباط اجتماعی مانند معاشرت با دوستان و بستگان استفاده شد [۲۵].

یافته‌های توصیفی

جدول ۱ نشان می‌دهد که زنان بررسی شده بین ۱۶ تا ۵۵ سال دارند و میانگین سن پاسخ‌گویان برابر ۳۰ سال است. حدود ۵۴ درصد زنان در ۱۶ تا ۲۹ سالگی مهاجرت کرده و فقط ۷ درصد بالای ۴۵ سال داشته‌اند. در مقابل، اکثر همسران پاسخ‌گویان یا به عبارتی مردان

مهاجر دارای همسر در ۳۰ تا ۴۴ سالگی قرار داشته‌اند. حداقل و حداکثر سن مردان مهاجر بین ۲۱ تا ۶۲ سال بوده و میانگین سن آن‌ها حدود ۳۵ سال است.

میانگین فاصله سنی زوجین در تحقیق حاضر برابر با ۵٫۶ سال است. هیچ زنی از همسر خود بزرگ‌تر نیست و بیشترین اختلاف سنی بین ۴ تا ۶ سال است. حدود ۵ درصد زنان پاسخ‌گو نیز با همسران خود هم سن و سال‌اند و ۱۲ درصد نیز اختلافی ۱۰ ساله و بیشتر با شوهر خود دارند. مدت ازدواج پاسخ‌گویان در هنگام مهاجرت به استان تهران از کمتر از یک سال تا ۳۵ سال در نوسان است. حدود ۱۰ درصد مهاجران زنانی هستند که بیش از ۲۰ سال از ازدواج آن‌ها سپری شده است، اما بیشترین درصد مهاجرت‌ها در ۵ سال اول زندگی اتفاق افتاده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که درآمد زنان مهاجر در هنگام مهاجرت از ۲۰۰ هزار تا ۵ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان در نوسان است. ارقام متناظر آن برای مردان بین ۴۰۰ هزار تا ۷ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان است. میانگین درآمد زنان و مردان مهاجر در هنگام مهاجرت به ترتیب برابر با ۱ میلیون و ۵۰۰ و ۸۰۰ هزار تومان است.

متوسط فرزندان برای هر زن هنگام مهاجرت برابر با ۱٫۵۱ به دست آمده است. تعداد فرزندان از بی‌فرزند تا ۶ فرزند در نوسان بوده؛ طوری که حدود ۲۲ درصد نمونه بررسی‌شده صاحب فرزند نیستند. حدود ۶۱ درصد نمونه بین ۱ تا ۲ فرزند دارند و حدود ۱۷ درصد از زنان مهاجر بررسی‌شده نیز ۳ فرزند و بیشتر دارند.

حدود ۴۱ درصد از نمونه بررسی‌شده مدرک دانشگاهی دارند و در مقابل ۵۲ درصد همسران آن‌ها چنین وضعیتی دارند. درصد مدارک در مقاطع راهنمایی و متوسطه- دیپلم در بین زنان پاسخ‌گو بیشتر از شوهرانشان است. حدود ۱۸ درصد زنان مهاجر هنگام مهاجرت شاغل بوده‌اند که این رقم برای همسران آن‌ها حدود ۸۲ درصد به دست آمده است. مبدأ مهاجرت حدود ۲۶ درصد زنان مهاجر، روستا بوده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که مالکیت زنان بر دارایی‌های خانواده درصدهای نسبتاً پایینی را به خود اختصاص داده است. حدود ۷۷ درصد زنان فاقد دارایی و ۱۷ درصد بر یک نوع و حدود ۴ درصد بر دو نوع دارایی مالکیت داشته‌اند. حدود ۶۶ درصد از نمونه مورد تحقیق قبل از مهاجرت به استان تهران دوست یا خویشاوندانی در این استان داشته و با آن‌ها در ارتباط بوده‌اند و در مقابل حدود ۳۴ درصد چنین ارتباطاتی را نداشته‌اند.

جدول ۱. توزیع نسبی پاسخ‌گویان بر حسب سن، سن همسر، فاصله سنی با همسر و مدت زمان ازدواج

طبقات	فراوانی	درصد
۱۶ تا ۲۹ سال	۲۷۲	۵۴٫۴
۳۰ تا ۴۴ سال	۱۹۲	۳۸٫۴
۴۵ تا ۵۵ سال	۳۶	۷٫۲
کل	۵۰۰	۱۰۰
کمینه: ۱۶ سال	بیشینه: ۵۵ سال	میانگین: ۳۰ سال
کمینه: ۲۱ سال	بیشینه: ۶۲ سال	میانگین: ۳۵٫۵ سال
۰ (هم سن و سال)	۲۴	۴٫۸
۱ تا ۳ سال مرد بزرگ‌تر	۱۱۱	۲۲٫۲
۴ تا ۶ سال مرد بزرگ‌تر	۱۹۲	۳۸٫۴
۷ تا ۹ سال مرد بزرگ‌تر	۱۱۳	۲۲٫۶
۱۰ سال و بیشتر مرد بزرگ‌تر	۶۰	۱۲٫۰
کل	۵۰۰	۱۰۰
کمینه: ۰ (هم‌سن)	بیشینه: ۱۵ سال مرد بزرگ‌تر	میانگین: ۵٫۶ سال
طبقات	فراوانی	درصد
کمتر از ۱ سال	۱۶۱	۳۲٫۲
۱ تا ۵ سال	۱۳۹	۲۷٫۸
۶ تا ۱۰ سال	۶۵	۱۳٫۰
۱۱ تا ۱۵ سال	۴۹	۹٫۸
۱۶ تا ۲۰ سال	۳۵	۷٫۰
بیشتر از ۲۰ سال	۵۱	۱۰٫۲
کل	۵۰۰	۱۰۰
کمینه: کمتر از یک سال	بیشینه: ۳۵ سال	میانگین: ۷٫۳ سال

آمار جدول ۲ از آن حکایت دارد که ۱۵ درصد مهاجرت‌ها از نوع فرزندمحور بوده است. حدود ۲۱ درصد زنان مهاجر نیز به منظور تحصیل یا اشتغال خود دست به مهاجرت زده‌اند، یعنی از نوع زن‌محور، و حدود ۶۴ درصد مهاجرت‌های صورت گرفته به استان تهران برای امور شوهر بوده است.

جدول ۲. توزیع نسبی پاسخ‌گویان بر حسب نوع و علل مهاجرت خانوادگی

نوع- علت مهاجرت	فراوانی	درصد
فرزندمحور	۷۵	۱۵٫۰
زن‌محور	۱۰۶	۲۱٫۲
مهاجرت برای کار یا انتقال شغلی	۱۳۷	۲۷٫۴
مهاجرت برای کار بهتر	۱۸۲	۳۶٫۴
کل	۳۱۹	۶۳٫۸
کل	۵۰۰	۱۰۰٫۰

تحلیل‌های دومتغیره

در جدول ۳، نتایج بررسی رابطه میزان مشارکت زنان بررسی شده با متغیرهای رضایت زنان از مبدأ مهاجرت و میزان قدرت آنان در خانواده آمده است. نتایج همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که با افزایش نارضایتی از مبدأ و افزایش قدرت در خانواده، مشارکت زنان در امر تصمیم‌گیری مهاجرت خانواده بیشتر شده است.

جدول ۳. همبستگی مشارکت زنان در تصمیم‌گیری مهاجرت با رضایت از مبدأ و قدرت در خانواده

متغیر	رضایت از مبدأ	قدرت در خانواده
مشارکت در تصمیم‌گیری مهاجرت	همبستگی پیرسون سطح معناداری	۰٫۷۸۷** ۰
	۰٫۳۹۰**	۰
	۵۰۰	۵۰۰
	حجم نمونه	

**معناداری در سطح ۰٫۰۱

برای بررسی رابطه دومتغیره نوع مهاجرت با میزان مشارکت زنان در تصمیم‌گیری مهاجرت از آزمون مقایسه میانگین‌های تحلیل واریانس یک‌طرفه (ANOVA One-Way) استفاده شده که نتایج آن در جدول ۴ آمده است. نتایج جدول ۴ گویای آن است که مشارکت زنان در مهاجرت‌های زن‌محور در مقایسه با مهاجرت‌های شوهرمحور و فرزندمحور تفاوت معناداری به سود مهاجرت‌های نوع اول دارد. زنان در مهاجرت‌های فرزندمحور در قیاس با مهاجرت‌های شوهرمحور، مشارکت بیشتری دارند، اما رابطه مذکور غیرمعنادار است. فرزندان و آینده‌آنها از مهم‌ترین دلایل مهاجرت خانوادگی برای زنان است و حتی این نوع مهاجرت‌ها برای زنان بر مهاجرت شوهرمحور ارجحیت دارد و باعث می‌شود که زنان مشارکت بیشتری کنند تا خانواده برای امور فرزندان مهاجرت نماید.

جدول ۴. رابطه مشارکت زنان در تصمیم‌گیری مهاجرت برحسب نوع مهاجرت

میانگین نمره مشارکت زنان در تصمیم‌گیری مهاجرت‌های زن‌محور = ۱۷٫۲۰		
میانگین نمره مشارکت زنان در تصمیم‌گیری مهاجرت‌های فرزندمحور = ۱۲٫۳۳		
میانگین نمره مشارکت زنان در تصمیم‌گیری مهاجرت‌های شوهرمحور = ۱۱٫۷۸		
تفاوت میانگین (I-J)	(J)	(I)
۵٫۴۲*	شوهرمحور	زن‌محور
۴٫۸۷*	فرزندمحور	زن‌محور
ns ۰٫۵۴۹	شوهرمحور	فرزندمحور
F=۸۸٫۹۴*		

**معناداری در سطح ۰٫۰۵

نتایج آزمون رابطه زمینۀ ارتباطی با مقصد قبل از مهاجرت با میزان مشارکت زنان در تصمیم‌گیری مهاجرت در جدول ۵ گزارش شده است. نتایج به‌دست‌آمده گویای آن است که میزان مشارکت زنانی که قبل از مهاجرت به استان تهران خویشاوند، دوست یا بستگانی در این استان داشته و با آن‌ها در ارتباط بوده‌اند، بیشتر از زنانی است که چنین روابطی نداشته‌اند.

جدول ۵. رابطه مشارکت زنان در تصمیم‌گیری مهاجرت با زمینۀ ارتباطی با مقصد قبل از مهاجرت

میانگین نمرۀ مشارکت در تصمیم‌گیری مهاجرت در حالت داشتن زمینۀ ارتباطی با مقصد = ۱۳/۹۰

میانگین نمرۀ مشارکت در تصمیم‌گیری مهاجرت در حالت نداشتن زمینۀ ارتباطی با مقصد = ۱۱/۲۶

$$T = -۶,۸۶۷^*$$

*معناداری در سطح ۰,۰۵

تحلیل چندمتغیره

در جدول ۶ نتایج تحلیل رگرسیونی اثر هریک از متغیرهای مستقل بر متغیر میزان مشارکت زنان در تصمیم‌گیری مهاجرت آورده شده است.

جدول ۶. مدل‌های رگرسیونی تأثیر متغیرهای مستقل و کنترلی بر میزان مشارکت زنان در مهاجرت خانوادگی

مدل ۳		مدل ۲		مدل ۱		متغیرها	متغیرهای مستقل
معناداری	ضرایب	معناداری	ضرایب	معناداری	ضرایب		
۰,۰۰۰	-۰,۱۶۶	۰,۰۰۰	-۰,۱۹۵	۰,۰۰۰	-۰,۲۰۰	میزان رضایت زنان از مبدأ	متغیرهای مستقل
۰,۰۰۰	۰,۵۹۵	۰,۰۰۰	۰,۵۶۵	۰,۰۰۰	۰,۶۴۵	میزان قدرت زنان در خانواده	
۰,۰۰۰	۰,۱۲۵	۰,۰۰۰	۰,۱۲۴	۰,۰۰۰	۰,۱۲۳	داشتن بله ارتباط با مقصد	
۰,۰۰۰	۰,۱۸۵	۰,۰۰۰	۰,۱۸۹	۰,۰۰۰	۰,۱۹۸	خیر (مرجع) زن محور	
۰,۸۸۰	۰,۰۰۵	۰,۸۸۶	۰,۰۰۵	۰,۲۶۴	۰,۰۲۷	نوع فرزندمحور	
						شوهر محور (مرجع)	
۰,۵۶۶	-۰,۰۳۱	۰,۴۲۷	-۰,۰۴۳			سن	ویژگی‌های زنان پاسخ‌دهنده
۰,۴۶۸	-۰,۰۱۹	۰,۶۷۷	-۰,۰۱۱			فاصله سنی با شوهر	
۰,۱۰۴	۰,۰۹۱	۰,۰۲۷	۰,۱۲۳			مدت ازدواج	
۰,۰۴۳	۰,۰۶۸	۰,۰۹۱	۰,۰۵۵			مبدأ شهر مهاجرت	
۰,۶۴۳	۰,۰۱۷	۰,۹۵۳	۰,۰۰۲			تعداد فرزندان	
۰,۴۸۷	-۰,۰۲۳	۰,۷۹۱	-۰,۰۰۹			وضعیت شاغل	

مهاجرت خانوادگی

مدل ۳		مدل ۲		مدل ۱		متغیرها	ویژگی‌های همسر
معناداری	ضرایب	معناداری	ضرایب	معناداری	ضرایب		
۰/۰۲۵	۰/۰۵۵	۰/۰۳۱	۰/۰۵۱			اشتغال غیرشاغل (مرجع)	
۰/۰۰۰	-۰/۲۲۵	۰/۰۰۲	-۰/۱۴۰			درآمد	
۰/۰۰۲	-۰/۱۱۰	۰/۱۱۹	-۰/۰۵۱			راهنمایی و کمتر	
۰/۴۴۷	۰/۰۲۳	۰/۸۵۲	۰/۰۰۵			سطح متوسطه و تحصیلات دیپلم دانشگاهی (مرجع)	
۰/۰۰۹	۰/۱۱۷					میزان دارایی	
۰/۰۰۱	۰/۱۰۷					راهنمایی و کمتر	
۰/۲۹۳	-۰/۰۲۸					سطح متوسطه و تحصیلات دیپلم دانشگاهی (مرجع)	
۰/۵۱۷	-۰/۰۱۹					وضعیت اشغال غیرشاغل (مرجع)	
*۰/۷۴۴	*۰/۹۰۵	*۰/۲۵۵/۴				درآمد	
۰/۸۶۴	۰/۸۵۹	۰/۸۴۹				ضریب F	
۰/۷۳۷	۰/۷۲۹	۰/۷۱۸				ضریب همبستگی (R)	
						ضریب تعیین تعدیل شده (Adj.R ²)	

برای این منظور سه مدل آزمون شد. در مدل اول فقط متغیرهای مستقل، در مدل دوم و سوم به ترتیب برخی ویژگی‌های زنان پاسخ‌گو و همسران آن‌ها نیز کنترل شد. مدل نهایی نشان می‌دهد که با افزایش قدرت در خانواده میزان مشارکت زنان در تصمیم‌گیری مهاجرت نیز افزایش می‌یابد و در مقابل با کاهش رضایت از مبدأ مهاجرت میزان مشارکت زنان در فرایند مهاجرت نیز افزایش خواهد یافت. تحلیل رگرسیونی از آن حکایت دارد زنانی که قبل از مهاجرت به استان تهران دارای زمینه ارتباطی با این استان بوده‌اند در مقایسه با هم‌تایان خود که چنین زمینه‌ای نداشته‌اند، در مهاجرت خانواده مشارکت بیشتری دارند.

مهاجرت زن محور رابطه معناداری با میزان مشارکت در تصمیم‌گیری مهاجرت دارد؛ یعنی زنان در این نوع مهاجرت، نسبت به مهاجرت‌های شوهرمحور، مشارکت بیشتری در جریان مهاجرت خانواده دارند. مشارکت زنان در مهاجرت فرزندمحور نسبت به مهاجرت شوهرمحور،

بیشتر و غیرمعمول است. با افزایش درآمد زنان، میزان مشارکت آنان در فرایند تصمیم‌گیری مهاجرت افزایش خواهد یافت.

نتایج نشان می‌دهد که زنان با مبدأ شهری در مقایسه با هم‌تایان روستایی خود، مشارکت بیشتری در جریان مهاجرت خانوادگی به استان تهران داشته‌اند. اطلاعات جدول گویای آن است که زنان با تحصیلات دانشگاهی در مقایسه با دو گروه دیگر، یعنی زنان با تحصیلات راهنمایی و کمتر و زنان با تحصیلات متوسطه-دیپلم، مشارکت بیشتری در فرایند تصمیم‌گیری مهاجرت کرده‌اند. سطح تحصیلات تنها ویژگی شوهران است که اثری معنادار بر میزان مشارکت زنان در فرایند تصمیم‌گیری مهاجرت دارد. زنانی که همسرانشان تحصیلات راهنمایی و کمتر یا تحصیلات متوسطه-دیپلم داشته‌اند در مقایسه با زنانی که همسرانشان دارای تحصیلات دانشگاهی بوده‌اند در جریان مهاجرت خانواده خود به استان تهران مشارکت بیشتری کرده‌اند. مدل اول، یعنی مدل بدون کنترل آماری، حدود ۷۲ درصد از واریانس میزان مشارکت زنان در فرایند تصمیم‌گیری مهاجرت را تبیین کرده است. در مدل دوم و با کنترل ویژگی‌های زنان پاسخ‌گو، قدرت تبیین مدل به ۷۳ درصد رسیده است. در نهایت، مدل سوم که دربرگیرنده متغیرهای مستقل و نیز ویژگی‌های پاسخ‌گویان و همسران آن‌هاست حدود ۷۴ درصد واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌کند. با کنترل ویژگی‌های پاسخ‌گویان ۰/۰۱۱ واحد بر قدرت تبیین مدل اولیه اضافه شده است؛ یعنی سهم ویژگی‌های زنان بررسی شده در تبیین میزان مشارکت در فرایند تصمیم‌گیری مهاجرت حدود یک درصد است. در مدل سوم و با ورود برخی ویژگی‌های شوهر مقدار ۰/۰۰۸ واحد به ضریب تبیین تعدیل شده مدل دوم افزوده شده است. به عبارتی، ویژگی‌های شوهر حدود ۰/۸ درصد بر قدرت تبیین مدل اضافه کرده است. ارقام ذکر شده نشان می‌دهد که ویژگی‌های زنان نسبت به ویژگی‌های همسران آن‌ها تأثیر بیشتری بر میزان مشارکت در فرایند تصمیم‌گیری مهاجرت خانوادگی دارد. ضرایب بتای استاندارد از آن حکایت دارد که به ترتیب قدرت زن در خانواده، میزان رضایت زنان از مبدأ مهاجرت، مهاجرت از نوع زن محور و در نهایت داشتن زمینه ارتباطی با مقصد بیشترین تأثیر را بر میزان مشارکت زنان در فرایند تصمیم‌گیری مهاجرت خانوادگی دارند.

نتیجه‌گیری

اکثر مطالعات انجام شده در ایران [۲۰؛ ۲۴] بر نقش مردان در مهاجرت تأکید داشته و زنان را مهاجر تبعی می‌دانند و حتی در برخی مطالعات [۱۳] با این تصور که زنان به تبعیت از همسران خود مهاجرت می‌کنند، آنان را از تحقیق کنار گذاشته‌اند. با عنایت به کاستی‌های موجود، هدف از مطالعه حاضر شناخت میزان مشارکت زنان دارای همسر در تصمیم‌گیری مهاجرت خانوادگی به استان تهران بود. نتایج نشان داد که رضایت از مبدأ مهاجرت با میزان

مشارکت زنان در فرایند تصمیم‌گیری مهاجرت خانوادگی به استان تهران رابطه منفی و معنادار دارد که این یافته در چارچوب تئوری‌های جاذبه و دافعه و نیز محرومیت نسبی قابل تفسیر است. قدرت زنان در خانواده با میزان مشارکت آنان در فرایند تصمیم‌گیری مهاجرت خانوادگی رابطه مثبت و معنادار داشت که این نتیجه‌گیری نیز منطبق با انتظارات تئوریک است که در قالب رویکرد فمینیستی بررسی شد. نتایج گویای آن بود که مشارکت زنان در تصمیم‌گیری مهاجرت‌های زن‌محور در مقایسه با مهاجرت‌های شوهرمحور و نیز مهاجرت‌های فرزندمحور تفاوت معناداری به نفع مهاجرت‌های نوع اول دارد. مدل نهایی تحلیل چندمتغیره نشان داد که میزان رضایت از مبدأ و قدرت در خانواده با کنترل ویژگی‌های پاسخ‌گویان و شوهران آن‌ها اثر معناداری بر میزان مشارکت زنان در مهاجرت دارند. داشتن زمینه ارتباطی با مقصد قبل از مهاجرت اثر مثبتی بر میزان مشارکت زنان در فرایند تصمیم‌گیری مهاجرت دارد که این یافته در مطالعات پیشین [۳۵] نیز نشان داده شده است. این یافته علاوه بر هماهنگی با مطالعات پیشین ذکرشده با تأکیدی که دی‌جونگ در مدل خود بر مفهوم شبکه دارد نیز همسو است. سطح تحصیلات زنان از متغیرهای تأثیرگذار بر مشارکت آنان در جریان مهاجرت است که این یافته به‌نوعی در مطالعات پیشین [۲۸] تأیید شده است. بنابراین همه فرضیه‌های تحقیق تأیید شدند. در مجموع، نتایج گویای آن بود که ویژگی‌های فردی زنان در مقایسه با مشخصات شوهرانشان در جریان مهاجرت‌های خانوادگی اهمیت بیشتری دارند. نتیجه پژوهش حاضر از آن حکایت داشت که زنان مشارکت نسبتاً بالایی در فرایند تصمیم‌گیری مهاجرت خانوادگی دارند و با کنار گذاشتن زنان از جامعه آماری یا تبعی فرض کردن آنان، اثر و نقش آن‌ها کمتر از اثر واقعی‌شان نشان داده می‌شود. نتایج یافته یادشده با برخی مطالعات دیگر [۴۱] هماهنگ است. یافته‌ها نشان داد که زنان مهاجرت خانوادگی را راهبردی جهت تحقق خواسته‌های فردی و خانوادگی می‌بینند. رهایی از محدودیت‌های اجتماعی و فرهنگی مبدأ، بهبود وضعیت اقتصادی خانواده و تأمین آینده‌ای بهتر برای فرزندان کارکردهای مهاجرت خانوادگی از نگاه زنان است. در پایان، نتیجه گرفته می‌شود که انتظار می‌رود با ادامه روند بهبود وضعیت اجتماعی زنان، مشارکت آنان در مهاجرت‌های خانوادگی افزایش یابد. با عنایت به اینکه تحصیلات و زمینه ارتباطات با مقصد از متغیرهای تأثیرگذار و معنادار بر مشارکت زنان در جریان مهاجرت بود، باید گفت زنان ایرانی که امروزه تحصیلات بالاتری کسب کرده‌اند و به واسطه همین تحصیلات دانشگاهی سرمایه اجتماعی و ارتباطات قوی‌تری با شهرهای بزرگ، از جمله تهران، دارند و حتی در برخی موارد پیشگام‌اند، انتظار افزایش مشارکت زنان در جریان مهاجرت خانوادگی قوی‌تر می‌شود. بی‌تردید، ورود زنان به شهرهای بزرگ به تغییر در سبک رفتاری و زندگی آن‌ها می‌انجامد که مطالعات آتی می‌توانند بر این حوزه‌ها تمرکز کنند.

منابع

- [۱] اسماعیلی، نصیبه (۱۳۸۸). «بررسی نقش زنان در جریان تصمیم‌گیری مهاجرت‌های خانوادگی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- [۲] بلیکی، نورمن (۱۳۹۲). *استراتژی‌های پژوهش اجتماعی*، ترجمه هاشم آقابیک‌پوری، تهران: جامعه‌شناسان، چ ۲.
- [۳] پورتال شهرداری منطقه ۲ تهران (۱۳۹۵). سایت شهرداری منطقه ۵، شهر تهران، شهرستان تهران، استان تهران، ایران.
- [۴] حسن‌پور فرد، علی (۱۳۸۹). «گرایش به مهاجرت و جنسیت: مطالعه موردی دانشجویان دختر و پسر دانشگاه تهران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- [۵] راسل، برتراند (۱۳۷۱). *قدرت*، ترجمه نجف دریابندی، تهران: خوارزمی.
- [۶] زنجانی، حبیب‌الله (۱۳۸۰). *مهاجرت*، تهران: سمت.
- [۷] _____ (۱۳۸۷). *نگاهی به آمار طلاق در ایران*، پایگاه اطلاع‌رسانی بهنا.
- [۸] سرایی، حسن (۱۳۷۲). *مقدمه‌ای بر نمونه‌گیری در تحقیق*، تهران: سمت.
- [۹] صادقی، رسول؛ ولدوند، لیلا (۱۳۹۲). «بررسی نقش زنان و مردان در فرایندهای اخیر مهاجرتی و تعیین‌کننده‌های آن: تحلیلی از نتایج سرشماری ۱۳۹۰»، *همایش تحلیلی یافته‌های سرشماری ۱۳۹۰*، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- [۱۰] عباسی‌شوازی، محمدجلال؛ عسکری‌ندوشن، عباس (۱۳۸۴). «تغییرات خانواده و کاهش باروری در ایران: مطالعه موردی استان یزد»، *نامه علوم اجتماعی*، ش ۲۵، ص ۷۵-۲۵.
- [۱۱] عرفانی، سامال (۱۳۸۶). «بررسی انسان‌شناختی استراتژی‌های قدرت زنان گُرد (بررسی موردی زنان طبقه متوسط شهرستان سنندج)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته مردم‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- [۱۲] فریدمن، جین (۱۳۸۱). *فمنیسم*، ترجمه فیروزه مهاجر، تهران: آشتیان، چ ۴.
- [۱۳] قاسمی‌اردهایی، علی (۱۳۹۲). «شبکه‌های اجتماعی و جابه‌جایی جمعیت»، پایان‌نامه دکتری، رشته جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- [۱۴] قاسمی‌اردهایی، علی؛ نوبخت، رضا؛ قدرتی، شفیعه (۱۳۹۴). «جریان‌ها و تعیین‌کننده‌های مهاجرت تبعی از استان آذربایجان شرقی به استان تهران»، *دوفصل‌نامه مشارکت و توسعه اجتماعی*، س اول، ش اول، ص ۶۳-۸۲.
- [۱۵] قاسمی‌سیانی، محمد (۱۳۸۸). «پیامدهای مهاجرت روستا-شهری نسل جوان روستایی»، *پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه*، ش ۲، ص ۱۴۵-۱۶۵.
- [۱۶] لهسایی‌زاده، عبدالعلی (۱۳۶۸). *نظریات مهاجرت*، شیراز: نوید شیراز.

- [۱۷] محمدپور، احمد؛ بوستانی، داریوش؛ صادقی، رسول؛ رضایی، مهدی (۱۳۸۸). «تحقیق فمینیستی: مبانی پارادایمی و مجادله‌های انتقادی»، پژوهش زنان، دوره ۷، ش ۲۱، ص ۱۵۱-۱۸۶.
- [۱۸] محمودیان، حسین (۱۳۹۱). جزوه درس مهاجرت و شهرنشینی، مقطع کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی، گروه جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- [۱۹] محمودیان، حسین؛ رازقی نصرآباد، حبیبه بی‌بی؛ کارگر شورکی، محمدرضا (۱۳۸۸). «زنان مهاجر تحصیل کرده در تهران»، پژوهش زنان، دوره ۷، ش ۴، ص ۵۱-۷۰.
- [۲۰] محمودیان، حسین؛ قاسمی اردهایی، علی (۱۳۹۲). بررسی وضعیت مهاجرت و شهرنشینی در ایران، پروژه همکاری صندوق جمعیت سازمان ملل و دانشگاه تهران.
- [۲۱] مرکز آمار ایران (۱۳۸۵). نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵.
- [۲۲] _____ (۱۳۹۰). نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰.
- [۲۳] میرزامصطفی، سیدمهدی؛ قاسمی، پروانه (۱۳۹۲). «عوامل مؤثر بر مهاجرت استانی با استفاده از مدل جاذبه»، فصل‌نامه سیاست‌های اقتصادی و مالی، س اول، ش ۳، ص ۷۱-۹۶.
- [۲۴] میرزایی، محمد؛ قاسمی اردهایی، علی (۱۳۹۴). مهاجرت داخلی زنان در ایران، مجموعه مقالات گزارش وضعیت اجتماعی زنان در ایران، تهران: نی.
- [۲۵] ناییبی، هوشنگ؛ گلشنی، میمنت (۱۳۹۲). «تأثیر منابع در دسترس زنان بر قدرت تصمیم‌گیری در خانواده: مطالعه تجربی شهر بابل»، نشریه زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۱، ش اول، ص ۱۳۵-۱۵۲.
- [۲۶] نعمتی، معصومه (۱۳۹۰). «مهاجرت در ساحت نظریه‌پردازی»، روزنامه رسالت، شنبه ۲۷ فروردین، س ۲۶، ش ۷۲۴۱.
- [27] Adhikari, Pradip (2012). "Assessment of the factors influencing the migration decision on Nepalese to the United States of America", PhD Dissertation, Southern University and A & M College.
- [28] Assar, Hamid (1993). "Family migration in Iran: The role of women and kinship ties, 1976-1986," PhD thesis Department of Economics, Southern Illinois University at Carbondale.
- [29] Benway, Gaelan Lee (2006). "Gender migration: Dominican women and men negotiate work and family in province Rhode Island", PhD dissertation, Department of Sociology, Brown University.
- [30] Buchanan Stafford, Susan.H (1984). "Haitian immigrant women: A cultural perspective", *Anthropologica New Series*, 26(2): PP 171-189.
- [31] Curran, Sara R and Abigail C Saguy (2001), "Migration and Cultural Change: A Role for Gender and Social Networks? ", *Journal of International Women's Studies*, 2(3): PP 54-77.

- [32] De Jong, Gordon F, and Gardner Robert W (1981). *Migration Decision Making; Multidisciplinary Approaches to Micro Level Studies in Developed and Developing Countries*. New York: Pergamon Press.
- [33] Harris, J. R., and M. P. Todaro (1970). "Migration, Unemployment, and Development: A Two Sector Analysis", *American Economic Review*, 60: PP 126-142.
- [34] Haug, Sonja (2008). "Migration Networks and Migration Decision-Making", *Journal of Ethnic and Migration Studies*, 34(4): 585 -605
- [35] Hiller, Hary H and McCaig Kendall S (2007). "Reassessing the role of partnered women in migration decision-making and migration outcomes", *Journal of Social and Personal Relationships*, 24 (3): PP 457-472.
- [36] Kofman, Eleonore, Phizacklea Annie, Raghuram Parvati and Sales, Rosemary (2000). *Gender and international migration in Europe*, 1nd edn, London: Routledge Press.
- [37] Lee, Hye-Kyung and Kim Chulhyo (2011). *The Dynamics of Migration Processes: The Gender Dimension in Asian-Australian Migration*, Working Paper, Department of Immigration and Citizenship, Australia.
- [38] Liu, Yuzhen (2011). "An examination of married women's migration experiences in South China's garment industry", PhD Dissertation in Sociology, York University.
- [39] Massey, Douglas S, Arango Joaquin, Hugo Graeme, Kouaouci Ali, Pellegrino Adela and Taylor J.Edward (1993). "Theories of international migration: A review and appraisal", *Population and Development Review*, 19(3): 431-466.
- [40] McCatty, Machel (2004). "The process of rural-urban migration in developing countries", An honours essay submitted to Carleton university.
- [41] Nobles Jenna and McKelvey Christopher (2015). "Gender, power and migration from Mexico", *Demography*, 52: 1573-1600.
- [42] Parillo, Vincent. N (2008). *Encyclopedia of Social problems*, United States: SAGE Publication.
- [43] Ranis, Gustav and Fei John C.H (1961). "A Theory of Economic Development", *The American Economy Review*, 51 (4): 533-565.
- [44] Sarasua Carmen (2001). *Leaving home to help the family, In Women, Gender, and Labour Migration*, Routledge Publish.
- [45] Sjaastad, L.A. (1962). "The Costs and Returns of Human Migration", *The Journal of Political Economy*, 70(5): 80-93.
- [46] Stark, Oded (1991). *The Migration of Labor*. Oxford, Blackwell.
- [47] Stark, Oded and David E. Bloom (1985). "The New Economics of Labor Migration", *American Economic Review*, 75 (2): PP 173-178.
- [48] Todaro, Michael P. (1969). "A Model of Labor Migration and Urban Unemployment in Less Developed Countries", *American Economic Review*, 59: PP 138-148.

- [49] Todaro, Michael P. (1971). "Income Expectations, Rural-Urban Migration and Employment in Africa", *International Labor Review*, 104 (5): PP12-24.
- [50] Uteng, Tanu Priya (2011). "Gender and migration in developing world", Background Paper, World Development Report, World Bank.

